

پیشنهادهایی در جهت رفع کاستی‌های ترجمه دو باب مجاهدت و تقوی

(از رساله قشیریه به قلم مهدی محبتی)

سعید بیت ساعدی^۱، مسعود پاکدل^۲

چکیده

کتاب رساله قشیریه یکی از مهم ترین منابع تصوّف اسلامی نوشته ابوالقاسم قشیری از عارفان و عالمان قرن پنجم هجری به زبان عربی است، که آوازه آن در دوران خود او به جای جای عالم اسلامی رسیده بود. این کتاب دو بار در قرن‌های پنجم و ششم هجری به زبان فارسی برگردانده شده است. استاد بدیع الزمان فروزانفر در سال ۱۳۴۵ و دکتر مهدی محبتی در سال ۱۳۹۱ این کتاب را تصحیح و چاپ نموده‌اند که از امتیازات بسیاری برخوردار هستند. با مقابله ترجمه دو باب مجاهدت و تقوی مهدی محبتی با متن عربی رساله قشیریه به نظر می‌رسد کاستی‌هایی در این ترجمه وجود دارد که می‌تواند دریافت صحیح متن را دشوار سازد. در این پژوهش که باروش تطبیقی و به نحو تحلیل محتوی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است، ترجمه این دو باب با متن عربی، کاستی‌های آن استخراج و تلاش شده است ترجمه دقیق تری ارائه گردد. عدم توجه به سلسله روایان و نیاوردن معادل فارسی برخی از عبارات از جمله ایراداتی است که در این ترجمه به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: رساله قشیریه، کاستی‌های ترجمه، مهدی محبتی، باب مجاهدت، باب تقوی

^۱- دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

^۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران

ایران (نویسنده مسئول) masoudpakdel@yahoo.com

مقدمه

زین الاسلام ابو القاسم عبدالکریم بن هوزان قشیری (۳۷۶-۴۶۵) یکی از بزرگان عرفا و شعرا و علمای قرن پنجم هجری قمری است. وی در زمینه‌های مختلف فقه و حدیث از همتایان خود سرآمد بود. و نیز در کلام، تصوف، شعر و کتابت آثار زیادی در زمینه‌های مختلف فرهنگ و معارف اسلامی به او نسبت داده شده است. که از جمله آثار بسیار گرانبهای او کتاب «الرساله القشیریة» است. این کتاب به زبان عربی نوشته شده است که یکی از مهم ترین متون صوفیه در قرن پنجم هجری قمری به شمار می‌رود.

رساله قشیریة نامه یا پیامی است که قشیری آن را به صوفیان شهرهای اسلام فرستاده و شروع به تهیه آن در سال ۴۳۷ و پایان آن در اوائل سال ۴۳۸ و علت نوشتن آن ظهور فساد در طریقت و انحراف صوفی نمایان از آداب و سنن مشایخ پیشین و ظهور مدعیان دور از حقیقت و دروغین بوده است. این کتاب روی هم رفته مشتمل بر دو فصل و پنجاه و چهار باب است، فصل اول در بیان عقاید صوفیان است در مسائل اصول، که از میانه آن‌ها به مسأله توحید و صفات بیشتر توجه شده و نظر قشیری آن بوده است که موافقت نظر مشایخ صوفیه را با عقاید اشعری به اثبات برساند و فصل دوم نتیجه و خلاصه مانندی است از فصل اول، این دو فصل در ترجمه فارسی به عنوان یک باب (باب اول) در آمده است. پس از این دو فصل بابی است مخصوص به شرح احوال و نقل اقوال مشایخ صوفیه از ابراهیم بن ادهم (متوفی ۱۶۲) تا ابو عبدالله احمد بن عطاء رودباری، (متوفی ۳۶۹) و مجموعاً شرح حال هشتاد و سه تن را با مختصری در زندگی و تاریخ وفاتشان ذکر می‌کند و سپس چند حکایت و سخن از گفته آن‌ها می‌آورد، غالب مطالب این باب را از طبقات الصوفیه استادش ابو عبدالرحمن سلمی استفاده کرده و تا آنجا که توانسته به اختصار کوشیده است. (عثمانی، ۱۳۸۸، : ۶۸).

باب دوم در شرح مصطلحات و تعبیرات صوفیان است و ابواب دیگر این کتاب مشتمل است بر ذکر احوال و مقامات و آداب و معاملات و اخلاق و سنن صوفیه که قشیری بر خلاف ابو نصر سراج در «اللّمع» در ذکر آنها ترتیب را رعایت نکرده و فی المثل احوال را از مقامات و معاملات جدا نساخته است. (همان، ۶۹)

رساله قشیریه از همان آغاز تالیف شهرت خاصی پیدا کرده است و معتقدان قشیری این کتاب را نزد او خوانده یا سماع کرده‌اند. (همان، ۷۱).

این اثر اگر چه قدیم ترین کتاب مدرسی صوفیه نیست- زیرا قبل از آن ابونصر عبدالله بن سراج طوسی (۳۷۸ق) کتاب اللّمع فی التصوف و ابوبکر محمد بن اسحاق بخاری کلاباذی (۳۸۰ق) التّعرف لمذهب اهل التصوف، و ابوطالب مکی (۳۸۶ق) قوت القلوب را تدوین کرده بودند - مع الوصف جامع ترین و معتبرترین کتابی است که از قدما در باب تصوّف باقی مانده است (رضایتی کیشه خاله، ۱۳۸۴: ۱)

این کتاب توسط ابو علی بن احمد عثمانی از شاگردان قشیری به فارسی ترجمه شد و متن این ترجمه با تصحیحات و استدراکات مرحوم فروزانفر، (عثمان، ۱۳۸۸). و تصحیح و تطبیق مهدی محبتی، (عثمان، ۱۳۹۱). به چاپ رسید.

با توجه به آنکه توضیحات این دو بزرگوار بسیار مفید و جامع می‌باشد اما برخی اشتباهات که در ترجمه و تصحیح آقای مهدی محبتی (عثمانی، ۱۳۹۱) که بنای کار این مقاله بوده است، در حاشیه ذکر نشده است و در برخی موارد ترجمه‌ای که در حاشیه آورده شده، نیاز به تفکر بیشتری دارد. بررسی دقیق تر، ترجمه و مقایسه کامل آن با متن عربی رساله قشیریه (قشیری، ۱۳۹۱) در رفع بسیاری از ابهامات موجود در ترجمه رساله قشیریه (عثمانی، ۱۳۹۱) ضروری است. در مقاله حاضر نتایج بخشی از این بررسی که از مقایسه بابهای پنجم (مجاهدت) و هفتم (تقوی) بین متن عربی و ترجمه فارسی به دست آمده، ارائه شده است.

پیشینه پژوهش

رضایتی کیشه خاله، محرم (۱۳۸۴) کتابی را با عنوان ((تحقیق در رساله قشیریه)) با تأملی در افکار و آثار امام قشیری منتشر کرده است. این اثر در پنج فصل، فراهم آمده: فصل اول به شرح احوال، افکار و آثار امام قشیری، اختصاص دارد. در فصل دوم، ساخت‌های دستوری و زبانی ترجمه رساله قشیریه در سه سطح آوایی، صرفی و نحوی با ذکر امثال و شواهد متعدد، توصیف شده است. در فصل سوم، کلیه اشعار "رساله قشیریه" که بالغ بر صد و هشتاد بیت است، به فارسی ترجمه شده و فصل چهارم، شامل ترجمه‌ی بیش از ۱۴۰ حدیث نبوی و احیانا قدیمی از متن عربی کتاب است و فصل پنجم که مفصل‌ترین بخش تالیف حاضر است، به معرفی شخصیت‌های "رساله قشیریه" اختصاص یافته است.

روضاتیان، مریم (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای علمی با عنوان: «کاستی‌های ترجمه و تصحیح رساله قشیریه» است که در این مقاله نویسنده فقط به چهار باب: توبه، ورع، زهد، و خلوت پرداخته است.

احمدی، جمال (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی بخشی از ترجمه رساله قشیریه با متن اصلی عربی و استخراج کاستی‌های ترجمه آن» به بررسی ترجمه باب سوم پرداخته و پیشنهادهایی در خصوص ارتقاء ترجمه داده است.

روضاتیان، مریم و میر باقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریه» نمونه‌هایی از ترجمه اول و دوم رساله قشیریه را با متن عربی آن مقایسه و ضمن پرداختن به برخی ابهامات درباره ترجمه و تصحیح رساله قشیریه، ضرورت ترجمه ابوعلی عثمانی را از این اثر تبیین کرده‌اند.

روضاتیان، مریم (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه» که نویسنده در این مقاله بصورت تصادفی باب توبه و باب ورع را بر اساس تصحیح مهدی محبتی (۱۳۹۱) مورد نقد و بررسی قرار داده است.

قازان، علی (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «نمونه ایی از بازنگری ترجمه رساله قشیریه» که نویسنده باب اول رساله قشیریه بر اساس رویارویی متن عربی با فارسی مورد نقد و بررسی قرار داده است.

کاظمی فر، معین و غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۴) و در مقاله‌ای با عنوان «بررسی انتقادی ترجمه رساله قشیریه» کوشیده‌اند مقایسه ترجمه قدیم فصل اول رساله قشیریه با اصل عربی آن ارزیابی کنند.

معرفی دو باب مجاهدت و تقوی

بحث و بررسی

در مقاله حاضر، نتایج بررسی و تطبیق کامل دو باب مجاهدت و تقوی بین متن عربی کتاب الرساله القشیریه تصحیح و تطبیق مهدی محبتی، (القشیری، ۱۳۹۱). و ترجمه فارسی ابو علی عثمانی، تصحیح و تعلیقات مهدی محبتی، (عثمانی، ۱۳۹۱). ارائه شده است که این نتایج، کاستی‌های ترجمه و در پاره‌ای موارد اشکالات تصحیح را در تقسیم بندیهای مطرح شده بیان کرده است.

باب پنجم: مجاهدت

۱- سلسله راویان حدیث بصورت کامل بیان نشده و مترجم فقط نام آخرین راوی را آورده است که از این موارد در این باب دست کم یازده مورد به این شکل آمده است که در زیر به دو مورد اشاره شده است:

۱-۱. أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْأَهْوَازِيُّ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الصَّفَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ الْأَسْقَاطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ كَاسِبٍ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ عَيْنِيهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي نَضْرَةَ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ، قَالَ: «سُئِلَ رَسُولَ اللَّهِ عَنْ أَفْضَلِ الْجِهَادِ، قَالَ: «كَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» وَدَمَعَتْ عَيْنَا أَبِي سَعِيدٍ. (القشيري، ۱۴۴: ۱۳۹۱).

-ابو سعید خدری (رضی الله عنه) گوید: پرسیدند پیغمبر را (صلی الله علیه) از فاضل ترین جهاد، گفت: کلمه حق، پیش سلطان ستمکار گفتن، و اشک از چشم ابو سعید فرو ریخت. (عثمانی، ۱۸۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی: به ما خبر داد علی بن احمد اهوازی و گفت: به ما خبر داد احمد بن عبید صفار، و گفت: با ما سخن گفت عباس بن فضل اسقاطی و گفت: با ما سخن گفت ابن کاسب و گفت: با ما سخن گفت از عیینه از علی بن زید از ابی نضره از ابی سعید خدری و گفت: پرسیدند شده پیغمبر را (صلی الله علیه) از فاضلترین جهاد، گفت: کلمه‌ی حق پیش سلطان ستمکار گفتن، و اشک از چشم ابو سعید فرو ریخت.

۲-۱. سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَحْمَدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلَوِيَةَ يَقُولُ، قَالَ أَبُو يَزِيدَ: كُنْتُ إِثْنَيْ عَشَرَ سِنَةً حَدَادَ نَفْسِي. (القشيري، ۱۴۴: ۱۳۹۱).

- بویزید گفت: به دوازده سال، آهنگر نفس خویش بودم. (عثمانی، ۱۸۷: ۱۳۹۱)

متن پیشنهادی:

از محمد بن حسین شنیدم که می‌گفت: از احمد بن علی بن جعفر شنیدم که می‌گفت: از حسن بن علویه شنیدم که می‌گفت: بویزید گفت: دوازده سال آهنگر نفس خویش بودم...

۲-در پاره‌ای موارد مترجم در نقل قول‌ها فعل (سَمِعْتُ) را ترجمه نکرده است:

۱. ۲. سَمِعْتُ الْأَسْتَاذَ أَبَا عَلِيٍّ الدَّقَّاقَ، يَقُولُ: (القشيري، ۱۴۴: ۱۳۹۱).

-استاد ابو علی دقاق گوید: (عثمانی، ۱۸۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

از استاد ابو علی دقاق شنیدم که می گفت:

۳-در پاره‌ای موارد مترجم آیات قرآنی را در ترجمه ذکر نکرده:

۱-۳. سَمِعْتُ الْأَسْتَاذَ أَبَا عَلِيٍّ الدَّقَّاقَ، يَقُولُ:

مَنْ زُيِّنَ ظَاهِرَهُ بِالْمُجَاهِدَةِ حَسَّنَ اللَّهُ سَرَائِرَهُ بِالْمُشَاهِدَةِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا» (القشيري، ۱۴۴: ۱۳۹۱).

-استاد ابو علی دقاق گوید: هر که ظاهر خویش را بیاراید به مجاهدت، خدای باطن او را بیاراید به مشاهدت. (عثمانی، ۱۸۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

استاد ابو علی دقاق گوید: هر که ظاهر خویش را بیاراید به مجاهدت، خدای باطن او را بیاراید به مشاهدت. خداوند متعال می گوید: و آنها را که در راه ما بکوشند به راه‌های خود هدایت می کنیم.

۴-گاهی موارد مترجم عبارات را به صورت ناقص ترجمه کرده است یا عبارتی را به کلی از ترجمه انداخته است یا کلمه‌ای را ترجمه نکرده است.

۱-۴. جملائی که بصورت ناقص ترجمه شده است:

سَمِعْتُ الشَّيْخَ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبَا عَثْمَانَ الْمَغْرِبِيَّ يَقُولُ: مَنْ ظَنَّ أَنَّهُ يُفْتَحُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ

الطَّرِيقَهُ أَوْ يَكْشِفُ لَهُ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ إِلَّا بِلِزُومِ الْمُجَاهِدَةِ فَهُوَ فِي غَلَطٍ. (القشيري، ١٤٤: ١٣٩١).

-ابو عثمان مغربی راست که هر که پندارد که این در بر وی باز گشایند و هیچ چیز یابد از حقیقت مگر به مجاهده، اندر غلط است. (عثمانی، ١٨٧: ١٣٩١).

متن پیشنهادی:

ابو عثمان مغربی راست که هر که پندارد که این در بر وی باز گشایند و هیچ چیز یابد از حقیقت مگر به ضرورت مجاهده، اندر غلط است.

٢-٤. مترجم عبارتی را از ترجمه به کلی تغییر داده است:

قال أبو يزيد: كُنتُ اثْنِي عَشَرَ سَنَةً حَدَادَ نَفْسِي. وَ خَمْسَ سِنِينَ كُنتُ مِرَاةَ قَلْبِي، وَ سَنَةً أَنْظَرْتُ فِيهَا بَيْنَهُمَا، فَإِذَا فِي وَسْطِي زُنَارٌ ظَاهِرٌ، فَعَمِلْتُ فِي قَطْعِهِ اثْنِي عَشْرَةَ سَنَةً. (القشيري، ١٤٤: ١٣٩١).

-بویزید گفت: به دوازده سال، آهنگر نفسِ خویش بودم و پنج سال، آینه دل خویش بودم و یک سال ، اندر آینه می‌نگریستم، زناری دیدم بر میان خویشتنِ ظاهر، دوازده سال در آن بودم تا ببریدم. (عثمانی، ١٨٧: ١٣٩١).

متن پیشنهادی:

بویزید گفت: به دوازده سال، آهنگر نفسِ خویش بودم و پنج سال، آینه دل خویش بودم و یک سال می‌نگریستم در آنچه میان آن دو بود، زناری دیدم بر میان خویشتنِ ظاهر، دوازده سال در آن بودم تا ببریدم.

٥-گاهی مترجم عین جمله عربی را در ترجمه فارسی خود آورده است:

وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: قَوْلُهُمُ الْحَرَكَةُ بَرَكَةٌ، حَرَكَاتُ الظُّوَاهِرِ تُوجِبُ بَرَكَاتُ السَّرَائِرِ. (القشيري، ١٤٤: ١٣٩١).

و هم از وی شنیدم اندر لفظ «الْحَرَكَتُ بَرَكَةٌ»، حرکات ظاهر، برکات سرّ برآورد. (عثمانی، ۱۸۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و هم از وی شنیدم: اندر لفظ، حرکت و کوشش برکت را به دنبال دارد، حرکاتِ ظاهر، برکات باطن بر آورد.

۱-۵. گاهی مترجم کلمه عربی را عیناً در ترجمه فارسی آورده و آن را به فارسی ترجمه نکرده است.

مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ سِرٌّ فَهُوَ مُصْرٌ: (القشیری، ۱۴۸: ۱۳۹۱).

هر که او را سرّ نباشد؛ مصرّ باشد. (عثمانی، ۱۹۱: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

هر که او را سرّ نباشد؛ در مخالفت‌های خود پا بر جا، باشد.

۶-دربرخی موارد ترجمه بصور کامل انجام نشده است:

۱-۶. سَمِعْتُ السَّرِيَّ يَقُولُ:

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ، جِدُّوا قَبْلَ أَنْ تَبْلُغُوا مَبْلَغِي فَتُضْعِفُوا وَتُقْصِرُوا كَمَا قَصَرْتُ. كَانَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ لَا يَلْحَقُهُ الشَّبَابُ فِي الْعِبَادَةِ. (القشیری، ۱۴۵: ۱۳۹۱).

و از سرّی همی آید که گفت: یا جوانان؛ کار به جوانی کنید، پیش تا پیری نرسید که ضعیف شوید چنین من، و اندر وقت هیچ جوان طاق عبادت وی نداشتی. (عثمانی، ۱۸۸: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

-واز سَرَى هَمَى آید که گفت: ای جوانان پیش از آن که به سن من برسید تلاش کنید، پس مانند من ضعیف و ناتوان می‌شوید. در آن زمان جوانان در عبادت به او نمی‌رسیدند.

۲-۶. سَمِعْتُ الشَّيْخَ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ جَدِّي أَبَا عَمْرٍو بْنِ نَجِيدٍ يَقُولُ: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَ عَلَيْهِ ذَنْبُهُ! (القشیری، ۱۴۵: ۱۳۹۱).

-ابو عمرو نجید گوید: هر که تنش بر وی گرامی بود؛ دین وی بر وی خوار بود. (عثمانی، ۱۸۸: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

شنیدم شیخ ابا عبدالرحمن که می‌گفت: از پدر بزرگم ابا عمرو بن نجید شنیدم که می‌گفت: هر کس تنش بر وی گرامی بود، گناهِش در پیش وی خوار بود. (گناه نمی‌کند).

۳-۶. سَمِعْتُ الشَّيْخَ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ، يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبَا عَلِيٍّ الرَّوْذِبَارِيَّ يَقُولُ: إِذَا قَالَ الصُّوفِيُّ بَعْدَ خَمْسَةِ أَيَّامٍ أَنَا جَائِعٌ، فَالزِّمُوهُ السُّوقَ وَامْرُؤَهُ بِالْكَسْبِ. (القشیری، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

-ابو علی رودباری گوید: صوفی پس پنج روز اگر گوید گرسنه‌ام، وی را به بازار فرستید تا کسب کند. (عثمانی، ۱۸۸: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

ابو علی رودباری گوید: صوفی پس پنج روز اگر گوید گرسنه‌ام، وی را به بازار فرستید و به کسب دستور دهید.

۴-۶. وَ حَمَلَهَا عَلِيٌّ خِلَافَ هَوَاهَا فِي عُمُومِ الْأَوْقَاتِ. (القشیری، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

-یعنی خلاف کردن اندر همه روزگار. (عثمانی، ۱۸۸: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

در اکثر اوقات نفس را بر خلاف آنچه که می‌خواهد سوق داد.

۵-۶. فَعَلِمْتُ أَنْ نِشَاطِي طُولَ عُمُرِي... (القشيري، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

-دانستم که نشاط من اندر آن روزگار... (عثمانی، ۱۸۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

دانستم که نشاطم در همه عمر...

۷- در برخی موارد مترجم کلمه‌ای را از ترجمه انداخته است.

۱-۷. وَ إِعْلَمَ أَنْ أَصْلَ الْمُجَاهِدِهِ وَ مَلَائِكِهَا فَطَمَ النَّفْسَ عَنِ الْمَأْلُوفَاتِ... (القشيري، ۱۴۷: ۱۳۹۱).

-بدان که اصل مجاهدت، خو باز کردن نفس است از آنچه دوست دارد. (عثمانی، ۱۸۸: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

بدان که اصل مجاهدت و معیار آن، خوبازکردن نفس است از آنچه دوست دارد.

۲-۷. فَمِنْ أَلْوَابِجٍ كَسَرَ ذَلِكَ عَلَيْهَا، وَ إِحْلَالِهَا بِعُقُوبِهِ أَلْذَلَّ بِمَا يُذَكِّرُهَا مِنْ حِقَارَةِ قَدْرِهَا، وَ خَسَاسَةِ أَصْلِهَا وَ قَدَارَةِ فِعْلِهَا. (القشيري، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

-واجب بود این بر وی به شکستن به رنج و مذلت و به پوشیدن تا حقارت اصل خویش بداند. (عثمانی، ۱۸۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

واجب بود این بر وی به شکستن به رنج و مذلت و به پوشیدن تا حقارت اصل خویش بداند. و نیز پستی اصلش و پلید بودن فعلش.

۸- مترجم در برخی موارد کلمه را به درستی ترجمه نکرده است:

۸-۱. وَ جَهْدَ الْعَوَامِ فِي تَوْفِيهِ الْأَعْمَالِ. وَ قَصْدَ الْخَوَاصِّ إِلَى تَصْفِيهِ... (القشيري، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

و جهد عام، اندر عمل بسیار بود و جهد خاص... (عثمانی، ۱۸۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و مجاهده عوام در عمل بسیار بود و اقدام خواص

۸-۲. وَ إِنَّمَا يَرَى عُيُوبَ نَفْسِهِ مَنْ يَتَّهَمُهَا فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ. (القشيري، ۱۴۸: ۱۳۹۱).

عیب‌های خویش کسی بیند که اندر حالها خویشتن را نکوهیده دارد. (عثمانی، ۱۹۱: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

عیب‌های خویش کسی بیند که اندر حالها خویشتن را متهم دارد.

۹- مترجم در عبارت زیر فعل «يُرِيدُ» را به «برید» ترجمه کرده است:

۹-۱. وَ قَالَ أَبُو حَفْصٍ: مَا أَسْرَعَ هَلَاكٍ مَنْ لَا يَعْرِفُ عَيْبَهُ، فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ يُرِيدُ الْكُفْرَ. (القشيري، ۱۴۸: ۱۳۹۱).

ابو حفص گوید: زود بود هلاک آن کس که عیب خویش نبیند؛ که معاصی، برید کفر است. (عثمانی، ۱۹۱: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

ابو حفص گوید: زود بود هلاک آن کس که عیب خویش نبیند؛ که معاصی کفر خواهد.

۱۰- مترجم عبارتی را به ترجمه افزوده است که در متن عربی نبوده است یعنی از ترجمه لفظ به لفظ خارج شده است:

۱۰-۱. فَأَنَّ مَنْ تَحَسَّى مِنْهُ جُرْعَهُ حَمَلَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مَثَلًا عَلَى أَشْفَارِهِ (القشیری، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

- و هر که جرعتی از وی بخورد (نفس)؛ هفت آسمان و هفت زمین به مژه چشم بر دارد. (عثمانی، ۱۸۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و هر که جرعتی از نفس بخورد؛ آسمان‌ها و زمین‌ها را به مژه چشم بردارد.

۱۰-۲. وَ يَحْكِي عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْمُرْتَعَشِ، أَنَّهُ قَالَ: (القشیری، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

-مرتعش گوید: (عثمانی، ۱۸۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

از ابی محمد مرتعش نقل می‌کنند که او گفته است:

۱۰-۳. سَمِعْتُ ذَالنَّوْنَ الْمَصْرِيَّ يَقُولُ: مَا أَعَزَّ اللهُ عَبْدًا بَعِزُّهُ هُوَ أَعَزُّ لَهُ مِنْ أَنْ يَدُلَّهُ عَلَى ذَلِّ نَفْسِهِ، وَ مَا أَدَلَّ اللهُ عَبْدًا بِذُلِّ هُوَ أَدَلُّ لَهُ مِنْ أَنْ يَحْجِبَهُ عَنْ ذَلِّ نَفْسِهِ. (القشیری، ۱۴۷: ۱۳۹۱).

-ذوالنون مصری گوید: خدای عزیز نکند بنده‌ای را به عزّی عزیزتر از آنکه به وی نماید خواری نفس او، و هیچ بنده را خوار نکند خوارتر از آنکه او را از خواری نفس او محجوب کند تا ذُلّ نفس خویش بیند. (عثمانی، ۱۹۰: ۱۳۹۱)

متن پیشنهادی:

از ذوالنون مصری شنیدم که گوید: خدای عزیز نکند بنده‌ای را به عزّی عزیزتر از آنکه به وی نماید خواری نفس او، و هیچ بنده را خوار نکند خوارتر از آنکه او را از خواری نفس او محجوب کند.

۱۱-گاهی موارد مترجم به جای اسم از ضمیر استفاده کرده است:

۱-۱۱. وَ أَمَارَةٌ ذَلِكَ: أَنَّهُ إِذَا انْقَطَعَ عَنْهُ ذَلِكَ الشُّرْبَ أَلَّ حَالَهُ إِلَى الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ. (القشیری، ۱۴۶: ۱۳۹۱).

-و نشان این آن است که چون این از او منقطع شود، کاهلی و سستی اندروی پیدا آید. (عثمانی، ۱۸۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و نشان این آن است که چون آن جرعه از او منقطع شود، سستی و شکست اندروی پیدا آید.

باب هفتم « در تقوی »

۱-در این باب مثل باب گذشته سلسله راویان یاد نشده است و فقط آخرین شخص ذکر شده است:

۱-۱. أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثَيْدِ الصَّفَّارِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ جَائِرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْأَعْلَى الْقِرَشِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ الْعَمِيُّ، عَنْ مُجَاهِدٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ قَالَ: (القشیری، ۱۵۳: ۱۳۹۱).

بو سعید خدری گوید: (عثمانی، ۱۹۷: ۱۳۹۱).

۲-مترجم عبارتی را به ترجمه افزوده است که در متن عربی نبوده است یا از ترجمه لفظ به لفظ خارج شده است:

۱-۲. قَالَ سَمِعْتُ أَنَسًا يَقُولُ: « قِيلَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَلَّ مُحَمَّدًا؟ قَالَ: كُلُّ تَقِيٍّ ». التقوی جماع الخیرات. (القشیری، ۱۵۳: ۱۳۹۱).

-آنس (رضی الله عنه) گوید که پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) را گفتند: یا محمد آل تو کیست؟
گفت: هر که رستگارت و پرهیزگارت است. استاد امام (رحمه الله) گوید: تقوی جمع کردن
چیزهاست. (عثمانی، ۱۹۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

گفت شنیدم آنس گوید که پیغمبر (صلی الله علیه و سلم) را گفتند: یا محمد آل تو کیست؟ گفت: هر
که رستگارت و پرهیزگارت است. تقوی مجموع خوبی هاست.

۲-۲. قَالَ: «عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ جَمَاعٌ كُلُّ خَيْرٍ: (القشیری، ۱۵۳: ۱۳۹۱).

-گفت: بر تو بادا تقوی که آن مجموع همه چیزهاست. (عثمانی، ۱۹۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

(پیامبر) گفت: بر تو بادا تقوی خدا، که آن مجموع همه خوبی هاست.

۲-۳. وَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَدْهَمَ: بَتُّ لَيْلَهُ تَحْتَ الصَّخْرَةِ بَيْتَ الْمَقْدِسِ؛ فَلَمَّا كَانَ بَعْضَ اللَّيْلِ نَزَلَ مَلِكًا،
فَقَالَ أَحَدَهُمَا لِصَاحِبِهِ: مَنْ هَاهُنَا؟ فَقَالَ: ذَلِكَ الَّذِي حَطَّ اللَّهُ دَرَجَةً مِنْ دَرَجَاتِهِ. فَقَالَ: لِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ
اشْتَرَى بِالْبَصْرَةِ تَمْرًا، فَوَقَعَتْ تَمْرَةٌ عَلَى تَمْرِهِ مِنْ تَمْرِ الْبَقَالِ. قَالَ إِبْرَاهِيمُ: فَمَضَيْتُ إِلَى الْبَصْرَةِ وَ
اشْتَرَيْتُ التَّمْرَ مِنْ ذَاكَ الرَّجُلِ وَ أَوْقَعْتُ تَمْرَةً عَلَى تَمْرِهِ وَ رَجَعْتُ إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ بَتُّ فِي
الصَّخْرَةِ. فَلَمَّا كَانَ بَعْضَ اللَّيْلِ إِذَا أَنَا بِمَلَكَيْنِ نَزِلًا مِنَ السَّمَاءِ. فَقَالَ أَحَدَهُمَا لِصَاحِبِهِ: مَنْ هَاهُنَا؟ فَقَالَ
الْآخَرَ: إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَدْهَمَ. فَقَالَ: ذَاكَ رَدَّ مَكَانَهُ، وَ رُفِعَتْ دَرَجَتُهُ. (القشیری، ۱۵۶: ۱۳۹۱).

-ابراهیم ادهم گوید: شبی به بیت المقدس بودم در زیر صخره، چون پاره ایی از شب بگذشت دو
فرشته دیدم، یکی فرا دیگر گفت: کیست اینجا؟ دیگر گفت: ابراهیم ادهم! گفت: آنکه خدای درجه

ای کم گردانید از درجه‌های او؟ گفت: چرا؟ گفت: زیرا که به بصره بود خرما خرید. از آن مرد خرما خریدم و خرمایی بر گرفتم و بر خرمای بقال افکندم و باز به بیت المقدس آمدم اندر زیر صخره شدم چون پاره‌ای از شب گذشت؛ دو فرشته دیدم که از آسمان فرود آمدند. یکی فرا دیگر گفت: کیست اینجا؟ آن دیگر گفت: ابراهیم ادهم گفت: او را باز جای خویش رسانیدند و آن درجه برداشتند. (عثمانی، ۲۰۰: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

ابراهیم ادهم گوید: شبی در زیر صخره در بیت المقدس ماندم؛ چون پاره‌ای از شب گذشت دو فرشته نزول کردند، که یکی فرا دیگری گفت: کیست اینجا؟ دیگر گفت: آن که خداوند درجه‌ای را از درجه‌های او کم گردانید. گفت چرا؟ گفت: زیرا او در بصره خرما خرید، خرمایی از خرمای بقال بر خرمای او افتاد.

ابراهیم گفت: به بصره رفتم و خرما را از آن مرد خریدم؛ و یک خرما از خرمایم را به خرمای او انداختم و به بیت المقدس باز گشتم و در زیر صخره شب را سپری کردم و چون که پاره‌ای از شب گذشت دو فرشته از آسمان فرود آمدند؛ یکی از آن‌ها به دیگری گفت: کیست اینجا؟ دیگری گفت: ابراهیم ادهم.

آن کسی که به جای خویش باز گردانیدند و درجه‌اش بالاتر برده شد.

۳- گاهی مترجم در ترجمه خود عباراتی را از ترجمه انداخته است:

۱-۳. وَأَصْلُ التَّقْوَى، إِتْقَاءَ الشِّرْكَ؛ ثُمَّ بَعْدَهُ إِتْقَاءَ الْمَعَاصِي وَ السَّيِّئَاتِ، ثُمَّ بَعْدَهُ إِتْقَاءَ الشُّبُهَاتِ؛ ثُمَّ تَدَعِ بَعْدَهُ الْفَضَالَاتِ. (القشیری، ۱۵۶: ۱۳۹۱).

-و اصل تقوی از شرک پرهیزیدن است پس از آن پرهیزیدن از شبهه‌ها پس دست به داشتن از فضول. (عثمانی، ۱۹۷: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و اصل تقوی از شرک پرهیزیدن است پس از آن پرهیزیدن از گناهان و بدی‌ها و بعد از آن پرهیزیدن از شبهه‌ها و پس دست به داشتن از فضول.

۲-۳. فَوَلَّى ظَهْرَهُ إِلَى الشَّمْسِ وَالْقَمِيصُ عَلَى ظَهْرِهِ، حَتَّى جَفَّ جَانِبٌ ثُمَّ قَلْبُهُ حَتَّى جَفَّ الْجَانِبُ الْأَخْرَى. (القشیری، ۱۵۶: ۱۳۹۱).

-پشت به آفتاب کرد و پیراهن بر پشت افکند تا خشک شود. (عثمانی، ۱۹۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

پشت به آفتاب کرد در حالیکه پیراهن بر پشتش بود، تا طرفی از آن خشک شد و سپس آن را بر روی جانب دیگر گذاشت تا آن طرف دیگر خشک شد.

۴-گاهی مترجم فعل مفرد را به صورت جمع ترجمه کرده است:

۴-۱. فَقَالَ لَا أَدْرَى. (القشیری، ۱۵۵: ۱۳۹۱).

-گفتند: ندانیم. (عثمانی، ۱۹۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

گفت: نمی‌دانم.

۵- گاهی مترجم عبارت را به درستی ترجمه نکرده است:

۵-۱. وَ حُسْنِ الْأَرْضِ فِيمَا قَدْ نَالَ. (القشیری، ۱۵۵: ۱۳۹۱).

و نیکویی رضا بدانچه یافته بود. (عثمانی، ۱۹۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و خشنودی کامل به آنچه رسیده است.

۶- گاهی مترجم ضمیر را در ترجمه نیاورده است:

۱-۶. وَقِيلَ: إِنَّ أَبَا يَزِيدَ غَسَلَ ثَوْبَهُ فِي الصَّحْرَاءِ مَعَ صَاحِبٍ لَهُ. (القشیری، ۱۵۵: ۱۳۹۱).

و گویند: بویزید با یاری جامه می شست به صحرا. (عثمانی، ۱۹۹: ۱۳۹۱).

متن پیشنهادی:

و گویند: بویزید با یاری جامه خویش می شست به صحرا.

نتیجه گیری

رساله قشیریه یکی از منابع مهم تصوف و عرفان اسلامی است که مورد توجه فراوان عرفا و متصوفه قرار گرفته است. این کتاب ارزشمند را ابو علی عثمانی به فارسی ترجمه کرده است. (عثمانی، ۱۳۷۴). استاد فروزانفر در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی، (عثمانی، ۱۳۸۸). و آقای مهدی محبتی، (عثمانی، ۱۳۹۱) در سال ۱۳۹۱ هجری شمسی آن کتاب ارزشمند را تصحیح و چاپ و منتشر کرده‌اند. متأسفانه در ترجمه و در پاره‌ای موارد، در تصحیح متن فارسی رساله قشیریه برخی اشکالات راه یافته است، در ترجمه مهدی محبتی عبارات و جملات فراوانی وجود دارد که ترجمه نشده و یا با تغییرات بعضاً اساسی به فارسی برگردانده شده است. گاهی به علت بی دقتی آقای مهدی محبتی ابهامات فراوانی دیده می‌شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رساله قشیریه به عنوان یکی از با ارزش ترین متون عرفانی نیازمند به مقایسه‌ای کامل با متن عربی و ترجمه و بازنگری مجدد است. چنانچه نویسنده‌ای بخواهد این کتاب را با متن عربی به صورت کامل مقایسه و ترجمه و بازنگری کند لازم است موارد مهمی را در نظر داشته باشد. برخی از موارد پیشنهادی عبارتند از:

۱- عبارات و واژه‌هایی در متن اصلی وجود دارد که به فارسی باز گردانده نشده است. لازم است به دقت به فارسی باز گردانده شوند.

۲- در بعضی موارد مترجم با اشتباه خواندن یک کلمه یا استفاده از نسخه‌ای مغشوش، ترجمه صحیحی به دست نداده است. لازم است این موارد را به صورت کامل تشخیص بدهد و در جهت رفع آن‌ها بکوشد.

۳- گاهی مترجم از شیوه ترجمه لفظ به لفظ خارج شده و در متن تصرف کرده است لازم است چنین عباراتی مشخص و به درستی بازگردانی شود.

۴- مترجم به سلسله راویان توجه کافی نکرده است و باید این مورد با دقت بازنگری شود.

۵- مترجم آیات قرآنی را به فارسی ترجمه نکرده و به همان صورت عربی در ترجمه فارسی خود آورده است. که باید این مورد به دقت بررسی شود.

۶- گاهی مترجم کلمه عربی را عیناً در ترجمه فارسی آورده و آن را به فارسی ترجمه نکرده است، بهتر است واژه‌ها به فارسی بازگردانده شود.

۷- گاهی مترجم کلمه‌ای را از ترجمه انداخته است که باید با دقت تمام این کلمات مشخص و ترجمه گردند.

فهرست منابع و مآخذ

الف: کتابنامه

- ۲- رضایتی کیشه خاله، محرم. (۱۳۸۴) کتابی با عنوان تحقیق در رساله قشیریه با تاملی در افکار
- ۱- القشیری، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). الرساله القشیریه، تصحیح و تطبیق مهدی محبتی، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول. و آثار امام قشیری. انتشارات: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول
- ۳- عثمان، ابوعلی. (۱۳۸۸). رساله قشیریه، با تصحیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزانفر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دهم
- ۴- عثمان، ابو علی. (۱۳۹۱). ترجمه رساله قشیریه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات مهدی محبتی، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.
- ۵- فروزانفر، بدیع الزمان (۱۳۴۵). رساله قشیریه

ب-مقالات

- ۱- احمدی، جمال (۱۳۸۸) در مقاله ایی با عنوان «بررسی تطبیقی بخشی از ترجمه رساله قشیریه با متن اصلی عربی و استخراج کاستی‌های ترجمه آن» دریافت از پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. تاریخ دریافت از سایت ۱۴۰۰/۸/۲
- ۲- روضاتیان، مریم، (۱۳۸۶)، «کاستی‌های ترجمه و تصحیح رساله قشیریه» مندرج در مجله گوه‌ر گویا مجله دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان، سال اول، شماره اول، صص ۱۵۲-۱۴۳. تاریخ دریافت از سایت ۱۴۰۰/۸/۱

۳- روضاتیان، مریم و میر باقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۸۹) در مقاله ایی علمی پژوهشی با عنوان «ضرورت تصحیح ترجمه ابوعلی عثمانی از رساله قشیریه» دریافت از پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. تاریخ دریافت از سایت ۱۴۰۰/۸/۳

۴- روضاتیان، مریم (۱۳۹۲) در مقاله ایی با عنوان «ماجرای تصحیح ترجمه رساله قشیریه» دریافت از پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. تاریخ دریافت از سایت ۱۴۰۰/۸/۵

۵- قازان، علی (۱۳۹۲) مقاله ایی با عنوان «نمونه ایی از بازنگری ترجمه رساله قشیریه» دریافت از پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. تاریخ دریافت از سایت ۱۴۰۰/۸/۱۰

۶- کاظمی فر، معین و غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۴) و در مقاله ایی با عنوان «بررسی انتقادی ترجمه رساله قشیریه» دریافت از مجله ی آینه میراث: تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۸/۲

Suggestions for eliminating the shortcomings of the translation of the two chapters of Mujahidat and Taqwa

(From the treatise of Qashiriyeh by Mehdi Mohabbaty)

Saeed Beit Saedi²

Massoud Pakdel³

Abstract

Qushayriyah's treatise is one of the most important sources of Islamic Sufism written by Abolghasem Qushairi, a mystic and scholar of the fifth century AH, in Arabic, whose fame had reached the place of the Islamic world during his time. This book was written twice in the fifth and sixth centuries. Hijri has been translated into Persian. Professor Badi-ol-Zaman Forouzanfar in 1345 and Dr. Mehdi Mohabbati in 1391 have corrected and published this book, which have many advantages. There is this translation that can make it difficult to get the text right. In this research, by comparing the translation of these two chapters with the Arabic text, its shortcomings have been extracted and an attempt has been made to provide a more accurate translation. Lack of attention to the series of narrators and not bringing the Persian equivalent of some phrases is one of the objections that can be seen in this translation.

Keywords: Qashirieh treatise, translation shortcomings, Mehdi Mohabbaty, chapter of Mujahidat, chapter of Taq

²- PhD student, Department of Persian Language and Literature, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran

³- Department of Persian Language and Literature, Gachsaran Branch, Islamic Azad University, Gachsaran, Iran (Corresponding Author)